

عبادات بیماران، اطرافیان و کادر پزشکی

یکی از مباحث مربوط به پزشکی مساله وظایف بیماران و مرتبطين با آنها (مثل اطرافیان آنها، کادر پزشکی و خود پزشکان و ...) و بلکه مطلق معذورین (حتی اگر بیمار نباشند) در رابطه با انجام عبادات است. این مساله تطبیقات بسیاری در فقه دارد و در موارد متعدد مورد اشاره قرار گرفته است و ما به برخی از مثالها اشاره می‌کنیم:

مثلا کسی که کاشت مو انجام می‌دهد برای مدتی از انجام وضو و غسل و بلکه حتی تیمم عاجز می‌شود، چنین مکلفی نسبت به اعمال عبادی مثل نماز و ... چه وظایفی دارد؟ علاوه که اصلا انجام اختیاری چنین کاری (که او را از انجام وظایف اختیاری عاجز می‌کند) مشروع است؟

مثلا کسی که فقط برای زیبایی مو می‌کارد و بعد از آن ناچار از ترک وضو یا غسل یا حتی تیمم بشود، مجاز به این کار هست؟ و آیا اصلا چنین چیزی عذر از وظیفه اختیاری محسوب می‌شود؟

سفر فرد برای انجام چنین عملی (اگر مجاز نباشد)، سفر معصیت محسوب می‌شود؟

یا مثلا پزشکی که برای نجات جان بیمار فرصت تطهیر لباس یا بدنش را ندارد نسبت به نمازش یا وضو چه وظیفه‌ای دارد؟ سفر او برای انجام این امور، سفر کاری محسوب می‌شود؟

یا مثلا افرادی که اگر چه بیمار نیستند اما دچار عذری هستند مثل کر و لال چه وظایفی نسبت به عبادات‌شان دارند؟ در کلمات علمای سابق مذکور است که مثلا فرد لال باید به کلمات اشاره کند اما الان خیلی از افراد لال می‌توانند با یاد گرفتن لب خوانی و ... کلمات را به صورت فی الجمله مفهوم ادا کنند، آیا چنین چیزی لازم است؟ آیا بر ولی او لازم است که چنین اموری را به او تعلیم کند؟

مثال دیگر عمل حنجره است که بعد از انجام آن شخص قادر بر تکلم هست اما صدای او جوهره ندارد، آیا برای این اشخاص تولید جهر (در مثل نماز) لازم است؟

موضوع بحث در جلسات آینده تنقیح حکم این موارد است که اگر چه بعضی از آنها در کلمات فقهاء به صورت مختصر مطرح شده است اما به صورت مفصل و منقح مطرح نشده است و جای بحث فقهی آن با اعمال دقت در ادله خالی است و ما از وظایف اُخرس (لال) شروع می‌کنیم.

برخی اعمال هستند که لفظ در آنها معتبر نیست مثل معاملات که به صورت معاطاتی هم قابل انشاء است، این طور اعمال از محل بحث ما خارجند و حتی مشهور که معاملات معاطاتی را لازم نمی‌دانند و یا حتی برای مختار انشاء معاطاتی طلاق را جایز نمی‌دانند قبول دارند اشاره اُخرس در انشاء معاملات کافی است. اما

اعمال بسیاری هستند که لفظ در آنها معتبر است مثل نماز، برخی اعمال حج و نذر و قسم و حتی مثل حلف در دادگاه و مسلمان شدن و ... در چنین مواردی اخرس چه وظیفه‌ای دارد؟